

کیفیت در آموزش عالی^۱

سید علی پزشکی اردکانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

کتاب کیفیت در آموزش عالی اثر آقای دکتر محمد یمنی دوزی سرخابی استاد دانشگاه شهید بهشتی است. این کتاب در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات سمت منتشر شده و در سال ۱۳۹۷ به چاپ سوم رسیده است. در مطالعه کتاب، یکی از نقاط برجسته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که نویسنده ایران را دوست می‌دارد و به‌عنوان یک استاد و معلم دانشگاه، آموزش عالی را یکی از مهم‌ترین عناصر پیشرفت و توسعه متوازن و همه‌جانبه کشور می‌داند و از این‌روست که بر موضوع «کیفیت در آموزش عالی» تأکید می‌کند.

نویسنده ارائه مفهوم «کیفیت» در مقابل «کمیت» را ساده‌اندیشی می‌داند و با اشاره به مفهوم پیچیده و متنوع و مبهم دانشگاه و اکوسیستم آن، تأکید می‌کند که پدیده‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و ... در دانشگاه‌ها در چنین میدان پیچیده‌ای زاده می‌شوند و بنابراین ابزارهای تعیین کیفیت در آموزش عالی، بدون توجه به این میدان، به شناختی سطحی از آموزش عالی دست می‌دهد و توهمی از «شناخت قطعی» به وجود می‌آورد.

از مشخصه‌های کتاب، توجه نویسنده به فهم دانشگاه و فرهنگ دانشگاهی و شناخت مفاهیم برای نیل به مفهوم کیفیت است که در این مسیر، شناخت و نقد و آزاداندیشی را هم مورد توجه قرار می‌دهد. برای همین است که در مقدمه مفصل و خواندنی کتاب، چیستی و مفهوم پداگوژی مطرح و ویژگی‌های آن بر شمرده می‌شود و میدان و ابعاد پداگوژی دانشگاهی تبیین و بر تفکر پداگوژیک همه کنشگران دانشگاه تأکید می‌شود.

دکتر یمنی از اهمیت والای شناخت؛ ثابت فرض نکردن شناخت؛ ارتباط نظریه با عمل، توسعه و بالنده کردن منابع انسانی؛ ساختار مدیریتی منعطف؛ بلوغ گروه‌های علمی؛ وجود سیاست‌های محرک پویایی علمی؛ اهمیت ابعاد نمادین دانشگاه و توان سازگاری بالا با محیط به‌عنوان اصول اساسی دانشگاه نوآور یاد می‌کند و با همین اصول، بر پیچیدگی سیستم دانشگاه و عوامل متعدد و متنوع و نیز روابط متعدد و متنوع آن تأکید دارد (صفحه ۹۶) و نگرش تک‌بعدی را مانع رشد و بالندگی می‌داند.

یمنی در دیگر آثارش نیز با توجه به همین اصول، دو مفهوم «دانش بانی» و «دانش‌زایی» را از هم تفکیک می‌کند (برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، رویکردی کاهنده، موقعیتی پیچیده، چاپ: سمت، ۱۳۹۷). نویسنده در کتاب «رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی» (چاپ: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸) نیز با در نظر گرفتن همین موضوع است که مفهوم «دانشگاه سازگار شونده» را تبیین می‌کند.

^۱ محمد یمنی دوزی سرخابی، کیفیت در آموزش عالی، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۷

^۲ - دانشجوی دکتری آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران: alip_ardakani@yahoo.com

وی معتقد است: «لازم است فعالیت‌های دانشگاه از مرز بسته‌ای که برای خود به وجود آورده‌اند و خود را محصور در فعالیت‌های آموزشی کرده‌اند، خارج شود و وحدت دیالکتیک پژوهش و آموزش به جد مورد توجه قرار گیرد» (صفحه ۵۹).

او همچنین در کتاب کیفیت در آموزش عالی، همه‌جانبه و ژرف‌اندیشی و روشن‌بینی مدیران در سطح کلان و خرد دانشگاه را از عوامل ارتقاء کیفیت قلمداد می‌کند (صفحه ۳۴۲) و در ادامه ابتکار و نوآوری در اندیشه و عمل همه عوامل انسانی در آموزش عالی و دانشگاه‌ها را برای ارتقاء کیفیت آموزش عالی حائز اهمیت می‌داند.

نویسنده در بخش نتیجه‌گیری، با اشاره به اینکه کیفیت یک مفهوم فرار و گریزان است، ارزیابی کیفیت آموزشی برنامه‌های دانشگاهی را هم مشکل می‌داند و بیان می‌کند که تلاش جامع‌نگر و روشمند قادر است مدیریت دانشگاه‌ها را در جهت ارزیابی توانمندی‌های دانشگاهی پیش برد و این تلاش، باید هم ورودی‌های سیستم دانشگاهی، هم فرآیند دانشگاهی، هم محصولات دانشگاهی و هم پیامدهای بعدی آن را در نظر گیرد.

بر این اساس است که در کتاب حاضر تأکید می‌شود که در بررسی کیفیت فعالیت‌های دانشگاهی و بهبود آن، دانشگاه باید از مطالعه خود شروع کند و برای این کار: «شناسایی هدف‌های برنامه‌های دانشگاه»؛ «سازمان‌دهی برنامه‌ها»؛ «بررسی منابع مالی و تسهیلات در دسترس»؛ «بررسی برنامه‌های درسی»؛ «جمع‌آوری داده‌های جمعیتی دانشگاه‌ها»؛ «بررسی ویژگی‌های دانشجویان» و «بررسی ضعف برنامه‌ها و وضعیت برنامه‌های آتی» ضروری است. یعنی همچنین چیرستی ارزیابی را تحلیل می‌کند.

اما آنچه این کتاب را برجسته می‌نماید «تعریف ناپذیری» کیفیت آموزش عالی از نگاه نویسنده است؛ یعنی کتاب از یک پارادوکس برخوردار است که از نگاه جامع‌نگر و باریک‌بین یعنی ناشی می‌شود. از یک‌سو به دنبال «شناخت کیفیت» در آموزش عالی و بررسی و نقد تعاریف متنوع و گاه متضادی است که نویسندگان از آن ارائه داده‌اند و از سوی دیگر بر تعریف ناپذیری کیفیت تأکید می‌کند و این تعریف ناپذیری، نتیجه‌ای است که از کتاب حاصل می‌شود (صفحه ۱۹).

البته نویسنده تأکید می‌کند: «مفهوم تعریف ناپذیری کیفیت به این معنی نیست که نمی‌توان آن را بررسی و ابعادی از آن را شناسایی کرد، بلکه بیانگر این نکته است که اولاً بررسی آن با روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد که هرکدام از آن‌ها نتایج متفاوتی می‌دهد که به دلیل پیچیدگی و پُر بعد بودن مفهوم کیفیت طبیعی است و ثانیاً شناخت کیفیت، شناخت قطعی نخواهد بود تا این حد که بتوان بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد، بلکه شناختی خواهد بود که از طریق واقعیت‌های در حال تغییر و تحول، تأیید، تکمیل، تکذیب و یا کنار گذاشته می‌شود، یا بخشی از آن پذیرفته می‌شود و بخشی بازنگری و اصلاح می‌شود. در این راستا دانشگاه با درک گذشته از طریق وضع موجود، خلق می‌کند و توسعه‌گر فرهنگ در تعاملات انسانی می‌شود». نویسنده در ادامه می‌افزاید که این کار ابتدا باید در ذهن مدیران و استادان و پژوهشگران و کارکنان آموزش عالی و دانشگاهی مفهوم‌سازی شود (صفحات ۳۴۷ و ۳۴۸).

بنا بر آنچه گفته شد تعریف ناپذیری آموزش عالی ایجاب می‌کند که به‌دوراز جزم‌گرایی و مطلق‌اندیشی راجع به آنچه «کیفیت مطلوب» نامیده می‌شود، وضع کیفی فعالیت‌های دانشگاهی در جهت بهبود و زمینه‌سازی برای پیدایش کیفیت‌های نو به‌طور مستمر نقد شود.

بنابراین در فصول مختلف کتاب خواننده به تأمل و اندیشیدن دعوت می‌شود که ساده‌سازی‌ها و ساده‌نگری‌ها و نسخه‌برداری‌ها و نیازسنجی‌های کلیشه‌ای موجود را کنار بگذارد. نویسنده معتقد است تعریف «از پیش‌بینی‌شده» کیفیت در آموزش عالی بر اساس معیارها و شاخص‌های معین و دستورالعمل‌ها، با «پویایی سیستم دانشگاهی» در تضاد است و مانع بزرگی برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آموزشی و پژوهشی

سازمان‌های دانشگاهی محسوب می‌شود؛ بنابراین موضوع تعریف ناپذیری آموزش عالی در این کتاب، مسیر جدیدی در مقوله «کیفیت شناسی» در آموزش عالی می‌گشاید.

کتاب حاضر یک خط مفهومی دقیق و پیوسته را دنبال می‌کند و در ۱۱ فصل، با نظر به آنچه در فوق گفته شد، کلیه مفاهیم و مسائل مربوط به سیستم و فرهنگ دانشگاهی از جمله: اکوسیستم کیفیت آموزش‌های دانشگاهی؛ آموزش دانشگاهی؛ سازمان دانشگاه و نیازهای آن؛ مفهوم کیفیت در آموزش عالی؛ کیفیت عملکرد تحصیلی دانشجویان؛ توسعه منابع انسانی؛ فضاهای آموزشی؛ تصاویر ذهنی؛ زمینه یادگیری؛ و ارزیابی کیفیت آموزش عالی را با دیدی جامع ارائه و تحلیل می‌کند.

ارائه جملاتی از بزرگان دانش و فرهنگ، ارائه تجربه‌های شخصی نویسنده و طرح‌ها و پژوهش‌هایی که برای سیاست‌گذاری و ارزیابی کیفیت در آموزش عالی انجام داده است، بیان مصداق‌ها برای فهم درست تعاریف و مفاهیم، بیان خاطرات شخصی و نظایر آن از دیگر وجوه امتیاز کتاب «کیفیت در آموزش عالی» است که هم بر شیرینی مطالعه این اثر می‌افزاید و هم خواننده را در درک مسائل یاری می‌دهد.

نویسنده در بخش آخر کتاب با توجه دادن به این نکته که هر دانشگاهی، سازمانی خاص و منحصر به فرد است و با توجه به مطالعه وضع خود، می‌تواند شاخص‌هایی را برای بهبود کیفیت آموزشی ارائه دهد، شاخص‌های بهبود کیفیت در چند دانشگاه برتر استرالیا را هم تحلیل می‌کند (صفحات ۳۴۹ تا ۳۵۶).

بنابراین نگاه یمنی به دانشگاه، نگاهی جامع‌نگر و کلی بین است هرچند که همه کنشگران و عوامل بیرونی و درونی دانشگاه را مدنظر قرار می‌دهد. او پرسش دارد و در پی پاسخ‌های دم‌دستی و رفع تکلیف نیست. با مطالعه دیگر آثار او در همین موضوعات می‌توان گفت که با این نگاه جامع، او نوشته‌های پیشین را نقد کرده، روشن‌تر کرده و در آثار بعدی خود ارائه کرده است. یمنی در کتاب، کلیه مفاهیم دانشگاه و آموزش عالی را برای شناخت کیفیت تجزیه و تحلیل می‌کند. پویایی سیستم دانشگاهی برایش فرض است. او همچنین «توهم دانستن» را به‌عنوان یکی از مخاطرات بیان می‌کند. کتاب او، دعوتی است به تأمل و اندیشیدن در کلیه مباحث آموزش عالی و دانشگاه. در پایان می‌توان تصریح کرد که یمنی در کتاب «کیفیت در آموزش عالی» بر این باور است که به قول مولانا:

در معانی قسمت و اعداد نیست در معانی تجزیه و افراد نیست

اتحاد یار با یاران خوش است پای معنی گیر صورت سرکش است

منابع:

- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). رویکردها و چشم‌انداز نو در آموزش عالی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، رویکردی کاهنده، موقعیتی پیچیده. تهران: انتشارات سمت.